



تمجید سایت فیفا از مهدی عبدی

اسکوچیچ دعوتش می کند؟

صفحه ۷

تقلید بازیکن اولسان از شجاع نمک روی زخم پرسپولیس ها شکایت منصوریان ودستیارانش از تراکتور

سپاهان - مس رفسنجان ساعت ۱۵:۰۰

ساختمان آبرومند برای ورزش اول ایران خانه نوگشتی

پیچیدن نسخه سابر برای ایه ورها کردن فلوره

اسلحه های فراموش شده!

نگاهی به آمار روسوتری

میلان بدون زلاتان می تازد

صفحه ۵

نظر عجیب قلیچ درباره اشتباه شیری

تاوان دعوت شدن ناهق به تیم ملی!

هفته ششم لیگ یک باجدال های جذاب

در بی بوشهر حساس تر از همیشه

زوج آغاسی و گراف از دوران بازی تنیس می گویند

سهم ما از رنج

صفحه ۵

حساسیت بیجای استقلالی ها به سریال تلویزیونی

سوزه محمد نوری فر مدیر رسانه ای سابق استقلال

از قاتل زنجیره ای تا مبارز راه آزادی، هر کدام علایقی داشته اند و به تصویر کشیدن این سلیقه ها در سینما و تلویزیون نیازی به حساسیت های بی مورد ندارد. اصالت و تاریخ یک باشگاه ۷۵ ساله باعلاق نقش منفی دریک ستاریو زیر سؤال نمی رود. البته هواداران استقلال به دلیل نگاه بعضی آمیز دولت و بسیاری از رسانه های رسمی به باشگاه محبوب خود، دستکاری های انجام شده و نتایج نامناسب در طول این سال ها کم حوصله و عصبانی هستند و به همین دلیل حساسیت های می تواند گاهی وجود احساسی داشته باشد. هیچ بحثی جز چگونه برطرف کردن این نگاه به کار استقلال در این روزها نمی آید. بحران بزرگی که شاید احمد مددی در شروع کارش در استقلال با صداقت و شفافیت بتواند آن را به مرور زمان برطرف کند. حتی اگر تئوریست سریال تلویزیونی مورد نظر، در قسمت بعدی در پوشش هوادار پرسپولیس نشان داده نشود، اعتراض رسمی به استقلال نشان دادن نقش تئوریست در شان یک باشگاه بزرگ و پرافتخار نیست و وقتی باشگاه واکنش نشان می دهد، این بیگماری می فرستد که مقابل هر موضوعی در شبکه های اجتماعی منزلت هستم. سناریوی استقلال درباره تاریخ و اهمیت اجتماعی اش را خودش می نویسد، با هر کشش و واکنش، با هر ضربه به توپ یا موضع اجتماعی ورزشی، در مسیر ساخت شخصیت فنی و اجتماعی باشگاه واکنش در مقابل تحریف تاریخ و در یک مستند ورزشی یا تویتن به لوگو (نمونه های پیشین در تلویزیون) منطقی است اما اعتراض به استقلال یا منجستی بودن فلان شخصیت یک سریال حساسیت بیجاست.



دیباچه: برمی گردم و با قدرت بازی می کنم

برای آقای گلی هنوز انگیزه دارم



فکری چه نقشه ای دارد؟

دیباچه، درخشان تر از یک مهاجم

استراماچونی و هم مجدیدی البته به دلیل مصدومیت ها گاهی دیباچه را از دست دادند و آسیب دیدند. بدیهی است بازیکنی که یابورود، آژکسیو، باناسی، متس تجربه بازی در فرانسه را دارد، باینوتو فوتبال ایتالیا را تجربه کرده، در فوتبال ایران می تواند نقش بزرگ تری را بازی کند، همان نقش حرفه ای که از دیباچه در استقلال دیده ایم. استقلال بدون عراق به او متکی شده و این انکار نمی توان انکار کرد. حتی کسی مصدومیت های او را نقد نمی کند، چون همه می دانند که او در بازگشت دوباره می خرد و جبران می کند. در فوتبال ایران بازیکنان خارجی بر شمار حضور ندارند و ممنوعیت استخدام بازیکن خارجی به اهمیت خارجی های موجود در لیگ افزوده است، مثل بشار رسن که جدایی اش پرسپولیس را دچار حسرت کرده است. دیباچه یکی از بهترین خارجی های سال های اخیر فوتبال ایران است. از زهر حمله استقلال بدون او کاسته می شود. اما کادر فنی جدید استقلال جقدر دیباچه را مهم می دانند؟ محمود فکری که انگاره به اندازه استراماچونی و مجدیدی شیفته دیباچه نیست، تا جنگ و جدل با دیباچه هم پیش رفت اگر چه بعد از آن اتفاق رابطه اصلاح

حاشیه های رسانه ای فینال آسیا

از انتقاد مزدک تا رکوردسازی عادل؛ از برنر عجیب برنامه میثاقی تا گزارش احمدی

نظر سردم برایش مهم نیست و فقط می خواهد به هر نحوی شده کلیپ های برنامه اش در فضای مجازی وایرال شوند. در این بین البته باید به گزارش محمد رضا احمدی هم اشاره کنیم. او با انتقاد های بی موردش به تصمیمات داور، نقش مهمی در به وجود آمدن ذهنیت منفی برخی از هواداران پرسپولیس نسبت به مسئولان برگزار کننده داشت. مثلاً یک چا گفت: «رفقا اینقدر ترلاش نکنید از داور پناهایی بگیرید، این داور پناهایی بگیر نیست» و طوری این جمله را داد که انگار داور از قصد می خواهد پرسپولیس را بیازند. انتقاد دیگر او که البته تنها مختص به بازی فینال نیست بر می گردد به هیجان های کاذبی که همیشه سعی می کند به بازی فینال داشته باشد. صحنه اعلام پناهایی اول برای اولسان نگاه کنید. بعد از اینکه داور صحنه را بازیابی کرد و نقطه پناهایی را نشان داد، احمدی طوری فریاد می کشید پناهایی پناهایی که پرسپولیس صاحب این ضربه شده.



جمعه اینکه او در یک ده کجی مسلم به تشکیلات فوتبال آسیا، حرکت عیسی آل کنیر را تبدیل به بنبر بزرگ نمایشگر برنامه اش کرد تا ملا از این طریق انتقام ویرا ندادن AFC، به خودش را بگیرد. او همچنان بر سیرک بودن کنفدراسیون فوتبال آسیا تأکید داشت و اصلاح زیر بار نمی رفت که حرکت آل کنیر دست کم در برخی از نقاط این کره خاکی عملی نژاد پرستانه محسوب می شود. اتفاق دیگری که دست کم واکنش هایی تحریک کننده نشان می دهد با استقبال مخاطبان روبه رو نشده، ماجرای باز بودن صدای میثاقی در حین گزارش محمد رضا احمدی بود. او در زمان پناهایی اول پرسپولیس حرف های عجیبی زد که بینندگان را هم عصبانی کرد. از جمله اینکه «اگه علی آقای پروین بگه پناهایی نیست، پناهایی نیست ها» و چند ثانیه بعد بود که داور نقطه پناهایی را نشان داد. محمد حسین انکار آنقدر گوشخیز به شنیدن انتقاد عادت کرده که دیگر اصلاً

گزارش شهاب اخلاقی

وقتی سال گذشته جنیفر انیتسون، بازیگر سرشناس هالیوود که پیشتر با سریال «دوستان» شناخته می شود به اینستاگرام پیوست، یک رکورد جهانی به دست آمد که حتی در کتاب گینس هم ثبت شد. او موفق شد تنها در ۵ ساعت و ۱۶ دقیقه، یک میلیون دنبال کننده در حساب کاربری اش جمع کند. اتفاقی که هیچ ستاره دیگری تا به امروز به آن نزدیک هم نشده. اتفاقی که برای اینستاگرام فارسی کنفدراسیون فوتبال آسیا رخ داد هم چیزی شبیه به همین رکورد است. از وقتی روزنامه «ایران ورزشی» خبر گزارش عادل برای این صفحه اینستاگرامی را داد، نگاه همه سمت این صفحه آنقدر زیاد شد که در چیزی حدود ۲۴ ساعت، بیش از ۲ میلیون کاربر جدید عضو صفحه فارسی AFC شدند. لاید در جریان هستد که تعداد کاربران در لایو زمان بازی هم از عدد ۴ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر گذشته است و تعداد کاربران آنلاین هم به عددی رسیده که حال این لایو، پنجمین لایو پر بیننده تاریخ ایلکیشن اینستاگرام بوده. موضوع وقتی جالب تر می شود که بدانیم عادل فردوسی پور در حالی توانسته این اعداد را از خودش به جای بگذارد که اصلاً به صورت رسمی در اینستاگرام ندارد و از این نظر کمک ۲ میلیون فالووری او به صفحه AFC کاملاً منحصر به فرد است. اتفاقات رسانه ای بازی فینال البته تنها به ماجرای عادل - اینستاختم نمی شود. در شبکه های تلویزیونی داخلی و حتی خارجی هم ماجراهایی رخ داد که اشاره به آنها خالی از لطف نیست. محمد حسین میثاقی که خیلی تلاش کرد تا با دعوت از علی پروین و ایجاد فضایی تازه بتواند موج علاقه مندان را به عادل راه به سمت برنامه خودش بکشد و حاشیه هایی درست کرد که در چشم دنبال کنندگان صدواوسیما دور ماند. از



امکان بخشش در نیمه راه محرومیت نیست اما...

پرسپولیس برای عیسی لایحه جدید می نویسد؟

توضیحاتی که هواداران و کادر فنی را قانع نمی کند جدال تازه در پرسپولیس یحیی - هیأت مدیره

درخواست یحیی از بازیکنان؛ فینال فراموش کنید بررسی ابهامات موجود در روند انتخابات فدراسیون فوتبال منع حضور محکومان کیفری در مقررات انتخاباتی

میزبانی عربستان در لیگ قهرمانان آسیا ۲۰۲۱ بحران جدی فوتبال ایران

زمان هنرنمایی نماینده ایران در AFC رسید

آتشی که از زیر خاکستر بیرون زد صلاح در رفتن صلاح

جدایی فراگیر و نگران کننده بازیکنان مطرح لیگ برتر امید به موفقیت آتی تیم های ایرانی در لیگ قهرمانان واقع بینانه است؟

سرمقاله آرمن ساروخانیان @amen7791

گل محمدی بعد از شکست پرسپولیس در فینال لیگ قهرمانان رویکرد مثبتی داشت و مدعی شد که تیمش برمی گردد و این بار قهرمان آسیا می شود. چنین نگاهی قابل تحسین و نشانه این است که سرمربی پرسپولیس ناامید نشده و به دنبال پیدا کردن راهی برای موفقیت است. با این حال واقعیت های فوتبال ایران می گوید که موفقیت در آسیا برای پرسپولیس یا دیگر نمایندگان ایران سخت تر از قبل شده است.

گل محمدی در بازگشت به تهران از جدایی بشار رسن، هافبک کلیدی تیمش ابراز ناراحتی کرد. او یکی از آخرین خارجی های بازمانده در لیگ برتر بود و با قانون ممنوعیت جذب مربی و بازیکن خارجی چند خارجی موثر باقی مانده مثل مشابا دیباچه، استنلی کی روش و کولیبالی ممکن است در پایان فصل جدا شوند.

جدایی بازیکنان خارجی تنها دلیل پایین آمدن کیفیت لیگ برتر نیست. تعداد زیادی از بازیکنان ایرانی موفق فصل قبل هم ترجیح دادند با حداقل دستمزدها راهی تیم های درجه چندم فوتبال اروپا یا آسیا شوند. دستمزدها بالاتر از بازیکنانی که به تازگی لژیونر شده اند، حدود صد هزار دلار است (این تا چیزترین رقمی است که در دنیا فوتبال برای یک بازیکن رد و بدل می شود). اگر بخوایم مقایسه کنیم، رقم قرارداد تعداد زیادی از خارجی های ناموفق و نیمه کم کشین سال های گذشته لیگ چند برابر این عدد بود. مثلاً پرسپولیس برای جونیور برناردانو، یکی از بدترین خرید های خارجی تاریخ این باشگاه کمی بیش از ۵۰۰ هزار دلار پرداخت کرد! البته بازیکنان جوان ایرانی هم برای پذیرفتن دستمزد صد هزار دلار در لیگ های دارنده کم منطقی به نظر می رسد. اوایلین رقم با توجه به بالا رفتن نرخ دلار حدوداً معادل ۵/۲ میلیارد تومان است. البته آنها ممکن بود در لیگ برتر قرارداد های به همین اندازه یا کمی بیشتر ببندند. ولی در باشگاه خارجی شان مطمئن اند که این رقم را تمام و کمال دریافت می کنند. نکته دوم فرصت دیده شدن در خارج از ایران است. آنها امیدوارند که با نمایش خوب مورد توجه باشگاه های مطرح تر قرار بگیرند و قرارداد های بعدی شان ارقام بالاتری داشته باشد.

در سال های قبل برای بازیکنان ایرانی صرف نداشت که با قرارداد صد هزار دلار به یک تیم خارجی بروند و معمولاً فقط بازیکنان ملی پوش که پیشنهادات بهتری داشتند لژیونر می شدند. ولی افت ناگهانی ارزش پول ملی شرایط تازه ای به وجود آورده که حتی پیشنهاد های حداقلی هم قابل بررسی است و می تواند جذاب باشد. کافی است تغییرات ترکیب پرسپولیس در یک سال گذشته را بررسی کنیم. بشار تنها جاده ای تیم نیست و ژاوری، علیپور، شجاع و ویراوند هم چهار بازیکن اصلی دیگری بودند که ترجیح دادند لژیونر شوند. پرسپولیس در گذشته می توانست با پیشنهاد های ریالی نزدیک به عدد پیشنهادات خارجی بازیکنان مطرحش را حفظ کند. ولی وقتی فاصله پیشنهاد داخلی و خارجی خیلی زیاد باشد، برای بازیکن چاره ای جز رفتن نمی ماند.

این در صورت استقلال هم صدق می کند که در پایان لیگ نوزدهم روزی چشمی و علی کریمی را از دست داد و هر دو به لیگ ستارگان قطر رفتند. استقلال توانسته جای خالی چشمی را پر کند. ولی پیدا کردن هافبکی مثل کریمی آسان نیست و بخشی از مشکلات این تیم نتیجه خلاق در همان پست است. مثال های بالا درباره بازیکنانی بود که در مقاطع مختلف به تیم ملی دعوت شده اند و در کارنامه شان بازی های ملی دورقمی یا حتی حضور در جام جهانی دیده می شود. ولی آنها تنها جاده های لیگ برتر نیستند و بازیکنانی مثل شهریار مغاللو و رضا اسدی هم حتی پیش از ورود به جرحه تیم ملی لژیونر شدند.

فوتبال ایران با وجود سود مدیریت هایی که در بخش آموزش و فوتبال پایه دارد به لطف پتانسیل بالایش هر سال چند پدیده جدید رومی کند. ولی اگر قراردادش در پایان هر فصل ده بازیکن شاخص لژیونر شوند و از جذب بازیکنان خارجی هم خبری نباشد، لیگ برتر افت محسوس و راجحیه خواهد کرد. شرایط اقتصادی جدید دورنمای تازه ای را برای فوتبال باشگاهی ایران ترسیم کرده و ممکن است در آینده رسیدن به فینال لیگ قهرمانان آسیا بالاتر از آن قهرمانی اهدافی و ویرا در آن به نظر برسد. البته در مسابقاتی با فرمول حذفی همیشه جا برای شگفتی ها وجود دارد. ولی در حالت طبیعی رقابت با باشگاه هایی که سراغ مربیانی مثل لوران بلان و بازیکنانی مثل سانتی کاسورلا می روند، برای باشگاه های تضعیف شده ایرانی کار ساده ای نخواهد بود.